

مطالعه‌ی دامنه‌ی سیاست بزه‌پوشی و محدودیت‌های حاکم بر آن

ابراهیم اسمعیلی اتوی

کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی

چکیده

برخلاف گرایش جدی و متعارفی که نظام‌های حقوقی دیگر در کشف جرم و تعقیب مجرم دارند، کتمان و نپنهان‌سازی جرم روشی است که به‌عنوان یکی از ویژگی‌های سیاست جنایی اسلام مطرح است. گستره‌ی شمول این سیاست بر اساس نوع جرم، جرائم حق‌اللهی را شامل می‌شود؛ که ویژگی مشترک آن‌ها بی‌بزه دیده بودن است و آثار جرم شناختی خاصی را ایجاد می‌کند و بر اساس ویژگی مجرم، این سیاست بزه‌کاران اتفاقی را در بر می‌گیرد. سیاست بزه‌پوشی فقط درباره‌ی بزه‌کاران اتفاقی قابل اعمال بوده و معروفین به شرارت و مجرمین حرفه‌ای را شامل نمی‌گردد. علاوه بر آنکه در مواردی نپنهان‌سازی جرم مستلزم تضییع مصالح اهم و تقویت حقوق بزه‌دیدگان و انحراف از مسیر درست اداره جامعه و مانند آن باشد کتمان زشتی‌ها و جرائم جایز نبوده مأموران رسمی موظف به کشف جرم و مجازات بزه‌کاران شده‌اند. بنابراین بزه‌پوشی با در نظر گرفتن محدودیت‌های آن، اصل حاکم بر طیف وسیعی از جرائم است. عدم توسل به این سیاست، زمینه‌ی برچسب‌زنی‌های گسترده را فراهم و توسعه‌ی رویکردهای امنیتی و شدت عمل و مداخله‌ی حداکثری نظام کیفری را به دنبال دارد. همچنین بروز رویکردهای عوام‌گرایانه و پرننگ شدن نقش منفی رسانه در مسیر آن، نتیجه‌ی عدم توجه به‌جا و منطقی در به‌کارگیری سیاست بزه‌پوشی و سایر رویکردهای غیر کیفری است. اعمال این سیاست نه صرفاً به‌عنوان یک رویکرد عملی، بلکه به‌عنوان یک تفکر و جهت‌گیری در مقابله با پدیده‌ی مجرمانه، افزایش رقم سیاه، تجری و کاهش بازدارندگی مجازات را در پی دارد و نقش مؤثر آن در جلوگیری از نفرت از دین و همچنین تحقق حس شرم و بازپذیری از مسیر اعمال این تفکر مد نظر است.

واژه‌های کلیدی: سیاست بزه‌پوشی، بزه‌کاران اتفاقی، کیفر زدایی، برچسب‌زنی

مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه

دوره ۷، شماره ۱، بهار ۱۴۰۰، صفحات ۱۴۸-۱۱۶